

بررسی تأثیر اقدامات پلیسی در پیشگیری و کاهش جرم

حسین شیری

شهرستان چارویماق

5195shiri@gmail.com

چکیده

امروزه جرم شناسان و حقوقدانان کیفری توجه خاصی به جایگاه و موقعیت پلیس در مورد خدمات رسانی و کمک به بزه دیدگان جرایم دارند. نقش پلیس در اولین مرحله ورود افراد به نظام عدالت کیفری آشکار می شود. عموم مردم همواره این نظام را با پلیس می شناسند. از آنجا که در مرحله نخستین ورود به نظام عدالت کیفری امکان بیشترین تعرض به حقوق بنیادی و اساسی افراد مشاهده می شود توجه خاص حقوقدانان را به خود معطوف داشته است. بنابراین امروزه توجه به جایگاه علمی پلیس، وضع قوانین و مقررات محدودکننده، تعرض به حقوق بنیادی بشر، توسل به شیوه ها و اقدامات پیشگیرانه و حمایتی با هدف کاهش میزان جرایم بر سیاست جنایی نظام های مختلف تأثیر گذاشته است. کاهش آسیب های ناشی از جرم یکی از وظایف دولت ها و نهادهای رسمی است و برای تحقق کامل آن تشکیل نهادها و ارگان های مختلف اجتماعی و هماهنگی بین آنها اهمیت دارد. پلیس به عنوان یکی از ارگان های دولتی مرتبط با مقوله آسیب های ناشی از جرم، با شناسایی افراد آسیب دیده و بزه دیدگان بالقوه بر وضعیت و شرایط قبل، حین و بعد از ارتکاب جرم تأثیر می گذارد و فرصت ارتکاب جرم را برای مجرمین محدود می سازد و با مداخله در وضعیت بحران و نجات اشخاص آسیب دیده در صحنه های جرم و کاهش مشکلات و دغدغه های آنان در مراحل مختلف سیستم عدالت کیفری نقش بسزایی دارد. بی تردید پلیس با کنار نهادن شیوه های منسوخ دهه های پیشین، با رویکرد نو یا اجتماع گرایی و مشارکت مداری می تواند در راهبردهای حمایتی و خدمات رسانی به بزه دیدگان به صورت مستقیم و غیر مستقیم شرکت جسته و نقش مؤثر و قابل توجه خود را در تحقق عدالت برای بزه دیدگان عملی سازد.

واژه های کلیدی: اقدامات پیشگیرانه، ارتکاب جرم، پلیس، نقاط جرم خیز

مقدمه

جامعه امروزی برای حل مؤثر مشکل جرایم و برقراری امنیت اجتماعی که حق مسلم هر انسانی است، چشم امید به سوی پلیس دوخته است. راهبرد تفکرات و های پلیس نیز در حل معضل جرم و پیشگیری از وقوع آن با گذشت زمان سیر تکاملی به خود گرفته است. در گذشته، جامعه همواره از پلیس این نارضایتی را داشته که هدف اصلی آنان فقط دستگیری مجرمین از طریق گشتهای سنتی پلیس، تحقیقات جنایی و تماس های مردم با مراکز فوریت های پلیس بوده است. امروزه که پلیس به محدودیت ها و عدم کفایت این ابزارها پی برده است، به استفاده از ابزارهای نوین در پیشگیری از وقوع جرایم علاقه مند شده است. از جمله این ابزارهای مدرن و جایگزین می توان به شناسایی نقاط جرم خیز از طریق فناوریهای نوین رایانه ای، GIS و GPS، گماشتن گشتهای هدایت شده در نقاط جرم خیز، گروه بندی نیروها، استفاده از گشتهای پیاده و جامعه محور اشاره کرد. تفاوت اقدامات جدید با گذشته در آن است که پلیس به جای واکنش در برابر جرایمی که به وقوع پیوسته، سعی بر پیش بینی و پیشگیری از وقوع آنها دارد.

از جمله این راهبردهای مؤثر میتوان به شناسایی نقاط جرم خیز و استفاده از گشت های هدایت شده و پیشگیرانه اشاره کرد. در مقاله حاضر ابتدا اهمیت شناسایی نقاط جرم خیز در پیشگیری از وقوع جرایم بیان شده و سپس نظریه های تایید

کننده این دیدگاه تبیین گردیده است. در آخر، به نقش گشت های پلیس در پیشگیری و کنترل جرایم در این مناطق پرداخته شده است.

نقاط جرم خیز و پیشگیری از وقوع جرایم

در سالهای اخیر متخصصان و دانشمندان علوم جنایی، پلیسی و جرم شناسی درباره متمرکز کردن اقدامات پیشگیری از جرایم بر محل وقوع جرایم تأکید کرده اند. مطالعات نشان داده است که جرایم الزاماً در خارج از شهرها و اماکن باز شهری که ظاهری مناسب برای ارتکاب اعمال مجرمانه دارند رخ نمیدهند، بلکه قسمتهای عمده ای از جرایم، در برخی محلهای کوچک شهری و « نقاط جرم خیز » رخ میدهند (ویسبورد و همکاران، ۱۹۹۲؛ شرم و همکاران، ۱۹۸۹). محققان همچنین توصیه کردهاند که اگر مأموران پلیس تمرکز خود را بر این محلهها و نقاط جرم خیز معطوف سازند، جرایم و مشکلات ناشی از آنها کاهش چشمگیری خواهد یافت (براگا، ۲۰۰۵؛ شرم و ویسبورد، ۱۹۹۵). ضمناً منطقی به نظر می رسد که پلیس برای پیشگیری و مهار روند رو به رشد وقوع جرایم، منابع و امکانات محدود خود را بر چند نقطه ای که بیشترین جرایم در آنجا رخ می دهد، متمرکز کند. در واقع اگر بتوان نقاط جرم خیز را کنترل کرد، ممکن است بتوان نرخ مجموع جرایم را نیز کاهش داد. شناسایی نقاط جرم خیز و انجام عملیات های پلیسی در بین سازمان های پلیس گسترش زیادی یافته است. تقریباً در کشورهای پیشرفته، از هر ۱۰ اداره پلیس، ۷ اداره از این امر برای پیشگیری از وقوع جرایم استفاده میکنند (ویسبورد و همکاران، ۲۰۰۳). تحقیقات نشان میدهد که این گونه اقدامات پلیس، مانند گشت های هدایت شده، تأثیر بسیار زیادی بر نتیجه اقدامات پیشگیری از وقوع جرایم دارد (اسکوگان و فریدول، ۲۰۰۴).

اهمیت مکان وقوع جرم در پیشگیری از وقوع جرایم

تحقیقات و نظریه های سنتی حوزه جرم شناسی معمولاً بر بررسی نقش فرد و جامعه در بروز جرایم متمرکز بوده است. جرم شناسان هنگام بررسی نقش فرد همواره به دنبال درک این موضوع بوده اند که چرا برخی افراد مرتکب جرم می شوند (رین، ۱۹۹۳). و اینکه چرا برخی مجرمان در مراحل مختلف زندگی خود در برخی فعالیت های مجرمانه شرکت میکنند و در برخی مراحل دیگر زندگی از جرم دوری میکنند. (سامپسون و لوب، ۱۹۹۳). متخصصان جرم شناسی همواره تلاش کرده اند که دریابند چرا برخی از جرایم در برخی جوامع و در سطوح متفاوتی از مجرمیت رخ میدهند و در برخی دیگر چنین پدیده هایی مشاهده نمیشوند. اما در جرم شناسی سنتی این باور رایج بوده است که عوامل وضعی نقش کم اهمیتی در بروز جرایم داشته است (کلارک و فلستون، ۱۹۹۳؛ تراسلر، ۱۹۹۳).

بزه دیده

بزه دیده که در جریان جرم متحمل آسیب های فراوان شده نیازمند حمایت پلیس و دستگاه قضا بیش از گذشته می باشد. حمایت از قربانیان جرم می تواند نقش اصلی را در کاهش پدیده های مجرمانه ایفا کرده و در تحقق عدالت کیفری، بازسازی شخصیت بزه دیده، و تامین خسارت های مادی و معنوی وی تأثیر گذار باشد. سازمان ملل نیز با تأثیر پذیری از جنبش های حمایت از بزه دیدگان و مؤسسات وابسته به اصول اساسی عدالت برای بزه « آن ها، قوانین و ساز و کار های قضایی - دولتی و عرفی - را تحت عنوان حاوی ۲۱ ماده، در راستایی حمایت از حقوق بزه دیدگان و « دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت

تسکین نا ملایمات آنان وضع کرده و دولت ها را ملزم به رعایت آن نموده است، اما در عمل چندان موفق نبوده اند، زیرا اولاً، این قوانین بیشتر بر بعد شکلی حمایت از حقوق بزه دیدگان و فرآیند دادرسی آن ها تکیه دارد تا جنبه ماهوی و ثانیاً، به دلیل منافع سیاسی کشورها و حاکم نبودن روح ارزش و معنویت کمتر مورد پذیرش و استقبال کشورهای عضو قرار گرفته است. بزه دیده، قربانی عمل مجرمانه را بزه دیده می گویند. عمل مجرمانه ای که شخص قربانی آن می گردد؛ می تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد، فردی هم که قربانی چنین عمل مجرمانه ای قرار می گیرد ممکن است زن، مرد، پیر یا جوان باشد به عبارتی همان گونه که جرایم متنوع هستند بزه دیدگان هم متنوع و گوناگون اند (مقیمی، ۱۳۸۴).

واکنش پلیس در مقابله با جرم

با توجه به اینکه پلیس اولین نهادی است که بزه دیده پس از جرم با آن رو به رو می شود، بنابراین واکنش پلیس از اهمیت زیادی برخوردار است. اقدام سریع و کارشناسانه پلیس نقش فراوانی در کاهش آسیب های ناشی از جرم دارد. پلیس باید در عرصه و صحنه های مختلف مورد اعتماد و وثوق مردم قرار گیرد؛ به گونه ای که مردم با بروز هر گونه مشکلی ابتدا به پلیس مراجعه کنند. این اعتماد و وثوق، از طریق برخورد سریع، کارشناسانه و اخلاق مدارانه پلیس حاصل می شود. این فصل در سه مبحث، به صورت تفصیلی به آگاهی و اقدام فوری پلیس، پیشگیری از تکرار و توسعه بزهکاری و میانجیگری کیفری پلیس می پردازد (قوام، ۱۳۸۹).

آگاهی و اقدام فوری پلیس

با آگاهی یافتن پلیس از جرم از وقوع جرم و جنایات در حوزه استحفاظی، مأموران پلیس باید از صحت و سقم خبر اعلامی مطمئن شوند. چون ممکن است بسیاری از تماس ها از روی شوخی یا عناد انجام شود. هم چنین نحوه دسترسی به پلیس حائز اهمیت است؛ دسترسی به پلیس باید سریع و آسان باشد تا آسیب های ناشی از جرم به صورت چشم گیری کاهش یابد. از سوی دیگر سریع بودن اقدام پلیس پس از آگاهی از جرم، نقش مؤثری در کارآمد بودن اقدامات پلیس دارد. در تعامل پلیس با بزه دیده، یکی از موضوعات مهم، بحث دسترسی بزه دیده به پلیس است. امکان دسترسی سریع به پلیس و کمک گرفتن از آن به ویژه در صحنه ارتکاب جرم و یا جلوگیری از فرار متهم، یکی از نیازهای اساسی بزه دیدگان است. به منظور مداخله به موقع پلیس در بحران پس از بزه دیدگی و جلوگیری از توسعه آن و نیز کاستن از آسیب های جرم، لازم است پلیس تدابیری را برای دسترسی سریع و آسان بزه دیدگان به مأموران پلیس فراهم کند. علاوه بر کلانتری ها، پاسگاه ها و ایستگاه های پلیس که در سراسر شهرها و روستاهای کشور پراکنده می باشند و همچنین اداره های آگاهی و سایر پلیس های تخصصی که در شهرها و مراکز استان ها مستقر هستند و امکان مراجعه مستقیم بزه دیدگان به آنها و کمک گرفتن از پلیس وجود دارد، سازوکارهای دیگری نیز برای دسترسی سریع و آسان بزه دیدگان به پلیس پیش بینی شده است (قوام، ۱۳۸۹).

دسترسی به نهادهای دستگاه عدالت کیفری اعم از پلیس، دادسرا، دادگاه های بدوی، دادگاه تجدیدنظر، دیوان عدالت کشور باید سریع و آسان باشد. بزه دیده باید بتواند در کوتاه ترین زمان و کمترین فاصله مکانی، شکایت خویش را مطرح و آن را پیگیری کند. استقرار پلیس در اماکن عمومی، اختصاص تلفن های شبانه روزی جهت پاسخگویی به بزه دیدگان، گسترش کلانتری ها در مکان های پر جمعیت و نظایر آن، دسترسی به اولین پناهگاه را برای بزه دیدگان ممکن می سازد. اعزام سریع پلیس به محل وقوع جرم جهت دریافت شکایت و ارائه راهنمایی های لازم و نیز حفظ صحنه جرم، جمع آوری ادله جرم، تنظیم صورت جلسه، همراهی بزه دیده تا مراکز درمانی، و اعزام مأموران پلیس زن در جرایم جنسی از دیگر حقوق بزه

دیده در دسترسی به پلیس می باشد. حق دسترسی به پلیس باید بدون تبعیض نسبت به همه افراد وجود داشته باشد . هرکس، صرف نظر از تابعیت ، جنس ، زبان ، مذهب، رنگ و نظایر آن چنانچه بزه دیده واقع شود باید حق مراجعه به پلیس را داشته باشد. طبق اصل ۳۴ قانون اساسی ایران: "دادخواهی حق مسلم هر فرد است (قاسمی، ۱۳۹۰).

اقدام قضائی فوری پلیس

از جمله اقدامات قضائی پلیس حفظ صحنه و آثار و دلایل جرم و تحقیق و بازجویی و جمع آوری ادله می باشد. حفظ صحنه و آلات و دلایل جرم برای کشف جرم و حمایت از بزه دیده فوق العاده مهم است. براساس مصاحبه هایی که با کارشناسان انتظامی وجود داشته است حفظ صحنه جرم یکی از اقدامات مهم پلیس در کشف جرم و دستگیری متهمین عنوان شده است. اقدامات صحیح و به موقع پلیس در حفظ صحنه جرم و آثار و دلایل آن می تواند تأثیر فراوانی در کاهش آسیب های ناشی از جرم ، حمایت از بزه دیده و استیفاء حقوق بزه دیده بر جای بگذارد. به عکس اقدامات نادرست می تواند آسیب دیدگی بزه دیده را تشدید کرده و وضعیت او را بدتر کند. معمولاً در جرایم مشهود، جرم کشف شده لازم است کلیه دلایل و مدارک، آلات و ادوات جرم، به صورت صحیح جمع آوری شود و مراتب دقیقاً در صورت مجلس قید شود. همچنین هر اقدام ضروری دیگری که ممکن است در دادرسی و محاکمه مفید واقع شود باید توسط پلیس انجام گیرد اما در جرایم غیرمشهود، اقدامات پلیس به دستور مقام قضائی محدود است (مهدی پور، ۱۳۸۵).

به منظور سرعت بخشیدن به حضور پلیس در صحنه جرم و حفظ آثار و دلایل جرم ، برخی از کارشناسان انتظامی و بزه دیدگان پیشنهاد کرده اند که در صورت امکان اولین مأمورانی که به صحنه جرم اعزام می شوند به جای خودرو از موتور سیکلت استفاده کنند تا در شهرهای بزرگ در شلوغی خیابان ها گرفتار نشوند. حضور گشت های گسترده پلیس در مناطق مختلف شهرها، به ویژه در مناطق جرم خیز نیز در کم کردن فاصله زمانی برای حضور در صحنه جرم هایی که در نزدیکی محل گشت آنها واقع می شود تأثیر خوبی دارد. وجود این گشت های انتظامی نه تنها احتمال برخورد با صحنه جرم های در حال وقوع و در نتیجه دخالت به موقع پلیس را افزایش می دهد، بلکه احتمال دستگیری مجرمین را نیز قبل از اینکه موفق به فرار شوند، افزایش می دهد. از طرف دیگر به منظور انجام سریع و به موقع اقدامات لازم در صحنه جرم برخی کارشناسان پیشنهاد داده اند که سیستم های مشترک متشکل از پلیس، مقام قضائی ، اورژانس و پزشکی قانونی از قبل سازماندهی شده و در نقاط مختلف شهرها مستقر گردند و به صورت گروهی و تیم مشترک به صحنه جرم اعزام شوند (قوام، ۱۳۹۰).

منظور از ضبط آلات و ادوات جرم صرفاً وسایلی از قبیل کارت و اسلحه نیست بلکه هر وسیله ای که مجرم را جهت ارتکاب جرم کمک می کند و یا خود وسیله ارتکاب جرم باشد آلات جرم محسوب می شود. بنابراین مأموران پلیس پس از ورود به صحنه جرم، باید به دنبال آلات و ادوات آن بگردند و هر چیزی که آنها را به سوی کشف جرم رهنمون می سازد ضبط کنند. تحقیق و بازجویی و جمع آوری ادله تحت ۵ عنوان: تحقیقات محلی، تفتیش اماکن و اشیاء متهم، مراقبت از فرار و مخفی شدن متهم، احضار و جلب و تحقیق از شهود بزه دیده، نیابت قضایی در جهت حمایت از بزه دیده مورد بررسی قرار می گیرد(قاسمی، ۱۳۹۰).

پیشگیری از تکرار و توسعه بزهکاری

مسئله تکرار جرم، خواه در مرحله پیشگیری اولیه از آن که انگیزه اصلی قانون گذاران جهت وضع قوانین مؤثر و کاراست یا در مرحله پیشگیری ثانویه آن و بعد از ارتکاب جرم که حاکی از عدم موفقیت تدابیر اتخاذی نسبت به مجرمان اولیه بوده است، موجب ظهور و بروز رویکردهای مختلفی شده است.

اولین، عمومی ترین و در عین حال، غریزی ترین رویکرد قانون گذاران برای پیشگیری از تکرار جرم، تشدید مجازات بزه کاران مکرر، بر اساس اندیشه بازدارندگی کیفرها بوده است. این فرض اولیه که در قانون گذاری کیفری ایران از سال ۱۳۰۴ (مواد ۲۴ و ۲۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴) تا ۱۳۶۱ موجب تشدید مجازات اجباری تکرار کنندگان جرم شده بود، در قانون گذاری کیفری ۱۳۶۱ تا حال حاضر (ماده ۱۹ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰)، موجب تشدید مجازات اختیاری تکرار کنندگان جرم به طور کلی و در برخی موارد استثنایی، موجب تشدید مجازات اجباری تکرار کنندگان جرایم می شود بدیهی است تشدید مجازات اختیاری تکرار کنندگان جرایم و یا تشدید مجازات اجباری (مواد ۷۲۳ و ۷۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) این دسته از مرتکبان جرم در ایران، دارای آثار و ابعاد مختلفی است. بر اساس یافته های کیفرشناختی و جرم شناختی که در برخی پژوهشهای ملی نیز مورد تأکید قرار گرفته است، تحمل مجازاتهای شدیدتر، نه تنها موجب کاهش نرخ بزه کاری و شدت آن نمی شود، بلکه در مقابل، مجازاتهای شدیدتر، تکرار جرم سریع تر و شدیدتر را به دنبال دارد (عباچی، ۱۳۸۳).

پژوهشها حاکی از مجازات «اندیشه مجازات شدیدتر مساوی با تکرار جرم» بنابراین، بر خلاف شدیدتر مساوی با تکرار جرم وخیم تر و سریع تر است. به همین دلیل در کنار رویکرد بازدارندگی یا به جای آن، در برخی کشورها رویکردهای پیشگیرانه با تأکید بر استفاده از اقدامات اصلاحی تربیتی و تدابیر خنثی کننده مد نظر قرار گرفته است (همان).

میانجیگری کیفری پلیس

میانجیگری کیفری به عنوان مفهومی ناب از مفاهیم و نهادهای عدالت ترمیمی، حاصل تحول نگرشها و دیدگاههای عمومی حقوقدانان و جرم شناسان و مقامات دستگاه عدالت کیفری از عدالت کیفری سرکوبگر و سزاده و عدالت اصلاح و تربیت به سوی عدالت پویای ترمیمی و ترمیم می باشد که در مقایسه با دیدگاههای سنتی و مرسوم عدالت کیفری دیدگاهی کارآمدتر و انسانی تر را از عدالت کیفری را دنبال می کند (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴). میانجیگری کیفری فرآیندی است که بزه دیده و بزهکار و در صورت لزوم اشخاص دیگر جامعه را که از جرم متاثر شده اند و یا نفع و ضرری در مقابله با جرم دارند، قادر می سازد که در صورت تمایل به طور فعال طی گفتگوهای متقابل با مساعدت و حضور یک شخص ثالث بی طرف (میانجیگر) به حل و فصل مسایل برخاسته از حادثه مجرمانه بپردازند. بنابر نظریات جرم شناختی بهتر است وظیفه میانجیگری از سوی نیروهای آموزش دیده و حرفه ای انجام شود. لذا پلیس با آگاهی از چند و چون میانجیگری، جرم اتفاق افتاده و بزهکار و بزه دیده جرم با آگاهی بیشتری این وظیفه را انجام می دهد (ولیدی، ۱۳۵۸). میانجیگری کیفری که اولین بار به طور رسمی در اوایل دهه هفتاد قرن بیستم در کانادا و آمریکا تجربه شد هم اکنون در کشورهای مختلف گسترش قابل توجهی داشته است. اساس نظری میانجیگری کیفری را دیدگاههای بزه دیده شناسی نوین و دیدگاههای مبتنی بر عدالت ترمیمی و نظریه انصاف و نظریه روایتگری تشکیل می دهد.

پلیس با ارائه اثرات گفتمان سازش از طرفین جرم می خواهد به گونه ای مصالحه آمیز به حل و فصل دعوا بپردازد در حین جلسات سازش پلیس که فردی کارآموده و حرفه ای است به عنوان میانجیگر حضور دارد و با ارائه راهبردهای موثر به اصلاح فی ما بین می پردازد (همان).

بالتبع در صورت موفقیت آمیز بودن میانجیگری پلیس، در مرحله اجرای دستورالعمل های جلسات میانجیگری، باز هم حضور پلیس آموزش دیده برای موفقیت آمیز بودن مرحله اجرا نیازی اساسی است. میانجیگری کیفری پلیس طی این مبنای فکری اهداف متعددی در قبال ارکان عدالت کیفری یعنی بزه دیده و بزهکار و اعضای جامعه و دستگاه عدالت کیفری از جمله پلیس دنبال می کند و در قبال هر یک از این ارکان به اصول کلی مانند اصل اختیاری بودن، بی طرفی، استقلال، مجرمانه بودن

فرآیند میانجیگری اتکا می نماید و در طی یک فرایند خلاق و کارآمد دیدگاهها و منافع بزه دیده و بزهکار و نهادهای جامعه و نیازهای آنها را به همدیگر نزدیک می نماید (کریمی درمنی، ۱۳۸۲).

فرایند میانجیگری کیفری پلیس در مرسوم ترین شکل آن چهار مرحله را شامل می شود. در مرحله اخذ و ارجاع پرونده، پلیس با آگاهی از جزئیات پرونده نحوه میانجیگری کارآمدتر را بررسی می کند. در مرحله آمادگی برای میانجیگری از طرفین جرم در خواست می شود تا برای ارائه راهبردهای حل آسیب های جرم حضور یابند، پس از مرحله گفتگوهای میانجیگری با حضور پلیس و ارائه راهبردهای مؤثر، مرحله اقدامات پس از میانجیگری شامل می شود که هر کدام از این مراحل دارای قواعد و اصول مختص به خود می باشند (محمد نسل، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری

در پاسخ به این پرسش که آیا شناسایی نقاط جرم خیز در پیشگیری از وقوع جرایم ضرورت و اهمیتی دارد، تحقیقات نشان می دهد شناسایی نقاط جرم خیز و انجاعمملیات پلیسی در آن نقاط در بین سازمانهای پلیس گسترش زیادی یافته است. تقریباً در کشورهای پیشرفته، از هر ۱۰ اداره پلیس ۷ اداره از این امر برای پیشگیری از وقوع جرایم استفاده می کنند. تحقیقات مرور شده همچنین نشان می دهد اگر پلیس تمرکز خود را بر این محل ها معطوف سازند، جرایم و مشکلات ناشی از آنها کاهش خواهد یافت. ضمناً منطقی به نظر می رسد که پلیس برای پیشگیری و مهار روند رو به رشد وقوع جرایم، منابع و امکانات محدود خود را بر چند نقطه ای که بیشترین جرایم در آنجا رخ می دهد، متمرکز کند.

پلیس باید نقاط جرم خیز را هدف گشت های خود قرار دهد. به هر حال، گشتها و اقدامات سنتی حال حاضر پلیس تا ثیر چندانی در پیشگیری از وقوع جرایم ندارد. پلیس باید در انجام گشت های تصادفی، واکنش های سنتی به تماسهای ۱۱۰ و اجرای ایست و بازرسی های بی هدف تجدید نظر کند. پیشنهاد می شود پلیس برای پیشگیری مؤثر از وقوع جرایم به جای گشت های تصادفی از گشت های هدایت شده، به جای واکنش های سنتی به تماس های رسیده به ۱۱۰ از راهبرد گروه بندی نیروها (به عنوان نمونه تقسیم بندی به سه گروه تیم واکنش به تماس های ضروری، تیم واکنش به تماس های غیر ضروری و تیم گشت های هدفمند در نقاط جرم خیز)، به جای ایست و بازرسی های سنتی از ایست و بازرسی های هدفمند و به کار گیری مأموران راهنمایی و رانندگی علاوه بر گشت های خودرویی از گشت های پیاده استفاده کرد.

پلیس همچنین باید از فناوری های پیشرفته مانند GIS و GPS در تجزیه و تحلیل جرایم، تهیه نقشه های جرم، تعیین نقاط دقیق وقوع جرایم و تعیین نقاط جرم خیز استفاده کند و گشتهای هدایت شده را به نقاط هدف بفرستد. در نهایت اینکه، در برخی موارد به کارگیری ترکیبی از روشهای سنتی و نوین کارگشا خواهد بود.

مراجع

- ۱- کریمی درمنی، حمید رضا، نوتوانی گروههای خاص، تهران: انتشارات گسترده، ۱۳۸۲.
- ۲- محمد نسل، غلامرضا، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم؛ تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
- ۳- مهدی پور، کاظم، آنچه لازم است ضابطان دادگستری بدانند، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۴- ولیدی، محمدصالح، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۵- سماواتی پیروز امیر، ناتوانان بزه دیده؛ از بایسته های جرم شناسی تا قوانین و مقررات کیفری، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.
- ۶- عباچی، مریم، پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی کودکان، نشریه حقوقی دادگستری، ۱۳۸۳.

- ۷- قوام، میر عظیم، مقاله حقوق بزه دیدگان و خواسته های آنان از پلیس، انتظام اجتماعی شماره ۲، ۱۳۸۹.
- ۸- قاسمی، مسعود، نقش پلیس در کاهش آسیب های ناشی از جرم، پایان نامه اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- ۹- قوام، میرعظیم، پلیس در کاهش آسیب های ناشی از جرم، پایان نامه اخذ مدرک دکترا، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- ۱۰- مقیمی، مهدی و قورچی، مجید. بستن کوچه ها و معابر و کاهش جرم. فصلنامه دانش انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی، سال هفتم، شماره چهارم، ۱۳۸۴.
- 11- Weisburd, D. & Eck, J. (2004). What can police do to reduce crime, disorder, and fear? *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 593, 42Y65.
- 12- Weisburd, D. (2005). Hot Spots Policing Experiments and Criminal Justice Research. *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 599, 220- 245.
- 13- Weisburd, D., Maher, L. & Sherman, L. (1992). Contrasting crime general and crime specific theory: The case of hot spots of crime. *Advances in Criminological Theory*, vol. 4 (pp. 45Y 69). New Brunswick, NJ: Transaction.
- 14- approaches, ed. H. Kury and J. Obergfell-Fuchs. Manz, Germany: Weisser Ring.
- 15- ersey City DMA system. In *Drugs and crime: Evaluating public policy initiatives*, ed. D. L. MacKenzie and C. D. Uchida. Thousand Oaks, CA: Sage.
- 16- Sherman, L. & Weisburd, D. (1995). General deterrent effects of police patrol in crime hot spots: A randomized controlled trial. *Justice Quarterly* ۱۲, ۶۲۵, Y648.
- 17- Sherman, L. (1994). *The Kansas City Experiment*. Washnigton D.C.: National Institute of Justice.
- 18- Sherman, L., Buerger, M. & Gartin, P. (1989a). Repeat call address policing: The Minneapolis RECAP experiment. Washington, District of Columbia: Crime Control Institute.
- 19- Sherman, L., Gartin, P. & Buerger, M. (1989b). Hot spots of predatory crime: Routine activities and the criminology of place. *Criminology* 27۲۷ ,Y56
- 20- Sherman, Lawrence, Patrick R. Gartin, and Michael E. Buerger. (1989) Hot spots of predatory crime: Routine activities and the criminology of place. *Criminology* 27:27-56.
- Braga, A. (2005). Hot spots policing and crime prevention: A systematic review of randomized controlled trials. *Journal of Experimental Criminology*. 1: 317-342.
- 21- Eck, J. & Weisburd, D. (1995). Crime places in crime theory. In J. Eck & D. Weisburd (Eds.), *Crime and place* (pp. 1Y34). Monsey, NY: Criminal Justice Press.
- 22- Sampson, Robert J., and John H. Laub. (1993). *Crime in the making: Pathways and turning points through life*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 23- Clarke, Ronald V. (1995). Situational crime prevention: Achievements and challenges. In *Building a safer society: Strategic approaches to crime prevention, crime and justice: A review of research* 19, ed. Michael Tonry and David Farrington. Chicago: University of Chicago Press.
- 24- Clarke, Ronald V., and Marcus Felson, eds. (1993). Routine activity and rational choice. *Advances in Criminological Theory* 5:1-14.
- 25- Trasler, Gordon. (1993). Conscience, opportunity, rational choice, and crime. In *Routine activity and rational choice: Advances in criminological theory*, vol. 5, ed. Ronald Clarke and Marcus Felson, 305-22. New Brunswick, NJ: Transaction Press.